

تطهیر پول در اسناد بین‌المللی و لایحه پولشویی

□ دکتر صادق سلیمی

□ عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

چکیده:

گروه‌های جنایی سازمان‌یافته، برای تحصیل منفعت مادی، به ارتکاب جنایات سودآور متوسل می‌شوند. این گروه‌ها برای این که منشأ غیر قانونی منافع حاصل شده را کتمان کنند، به تطهیر منافع روی می‌آورند. در سطح بین‌المللی، در کنوانسیون ملل متحد علیه جنایات سازمان‌یافته، ضمن ایجاد تعهد جرم‌انگاری، اقدامهایی به منظور هماهنگی و همکاری دولتهای متعاقد در مبارزه با این جرم پیش‌بینی شده است. در ایران، در عین حال که لایحه تصویب کنوانسیون پالمو در قوه مجریه در حال بررسی است، لایحه مبارزه با جرم پولشویی - بدون توجه کافی به مندرجات اسناد بین‌المللی و تحولات حاصل در این زمینه - در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار گرفته است. از سوی دیگر، مقررات پیشگیرانه بانکی از جانب شورای پول و اعتبار، تصویب و ابلاغ گردیده است. در این مقاله، این اسناد بررسی و با هم مقایسه می‌شود.

کلید واژگان: تطهیر پول، پولشویی، جنایات سازمان‌یافته، کنوانسیون پالمو.

مقدمه

امروزه جنایاتی که منفعت سرشار مادی در بردارد، به شکل سازمان‌یافته و توسط گروه‌ها و باندهای مافیایی در بعد فراملی ارتکاب می‌یابد. گروه‌های جنایی سازمان‌یافته،

حداقل دارای سه عضو است و معمولاً دارای سلسله مراتب، یک رئیس، تقسیم کار و نظم شدید، همراه با ضمانت اجراهای بی رحمانه است. برای انجام مأموریت و نیل به هدف خود، به هر وسیله‌ای متوسل می‌شوند؛ ابتدا سعی می‌کنند از طریق افساد، موانع را برطرف کنند و معمولاً در ارکان مختلف حکومتی و نهادهای عمومی نفوذ می‌کنند. در صورت عدم توفیق، توسل به خشونت و حذف فیزیکی مأموران سرسخت، امری متداول محسوب می‌شود. هدف غایی این گروه‌ها تحصیل نفع مالی و مادی است که مهمترین وجه تمایز این نوع فعالیتها از فعالیتهای تروریستی است.

فعالیت گروههای جنایی سازمان یافته، شامل موارد گسترده‌ای از قبیل: قاچاق مواد مخدر، سرقت و قاچاق آثار فرهنگی، هنری و تاریخی، قاچاق اشخاص، به ویژه زنان و کودکان، به منظور سوء استفاده‌های جنسی و جسمی، تجارت و قاچاق اعضای بدن انسان، قاچاق مهاجران، قتل‌های قراردادی، تولید غیرقانونی و قاچاق تسلیحات گرم، چاپ اسکناس تقلبی و قاچاق ارز و به طور کلی، هر نوع فعالیت ممنوع و سودآور می‌شود. برای جلوگیری از کشف جرم و مشروع جلوه دادن منافع ناشی از ارتکاب جنایات سازمان یافته که مبتنی بر تحصیل منافع مادی قابل توجه است، در تمام جنایات سازمان یافته و به عبارت دقیقتر، پس از ارتکاب سایر جنایات سازمان یافته، لازم است منافع حاصل شده تطهیر شود و منشأ نامشروع آنها کتمان شود؛ لذا جنایت «تطهیر عواید حاصل از جنایت» به عنوان یک جنایت سازمان یافته، واجد اهمیت فوق العاده است. امروزه با پیشرفت فن آوری، به ویژه مجهز شدن مجرمان به کامپیوتر و اینترنت؛ تطهیر عواید ناشی از جرم نیز پیچیده تر شده و ابعاد تازه‌ای به خود گرفته است. وزارت دادگستری ایالات متحده اعلام کرده است که سالانه ده میلیارد دلار پول از بانکهای این کشور با ارتکاب جنایات کامپیوتری سرقت می‌شود. لیکن مجرمان کامپیوتری فعالیت خود را فقط محدود به سرقت پول نمی‌کنند، بلکه برای کتمان عواید نامشروع حاصل از ارتکاب جرم نیز به جرایم کامپیوتری متوسل می‌شوند. روزانه یک میلیارد دلار سرمایه نامشروع در بازارهای مالی جهان حرکت می‌کند. بانکهای خارجی، به ویژه به ملل در حال توسعه صدمه می‌زنند؛ زیرا آنها را از عواید ناشی از پولی که تطهیر می‌شود، محروم می‌کنند. مجرمان به راحتی این وجوه را تطهیر

می‌کنند، بدون آن که عمل ارتكابی آنها کشف شود؛ زیرا آنها در میان معاملات و مبالغ خیلی کلان تطهير می‌شود.^۱

تطهير پول، واقعاً یک پدیده جهانی است و مقابله با آن، همتی جهانی و شبانه‌روزی می‌طلبد. در گزارش سال ۱۹۹۳ ملل متحد نیز آمده است: ویژگیهای اصلی تطهير منافع حاصل از جرم که تا حد زیادی بیانگر فعالیت‌های جنایت سازمان‌یافته و فراملی است، عبارت است از ماهیت جهانی آن، انعطاف‌پذیری و قابلیت انطباق عملیات آن، استفاده از آخرین وسایل فن‌آوری و کمک حرفه‌ای و منابع عظیم قابل استفاده برای آن. بعلاوه، ویژگی دیگری که نباید نسبت به آن بی‌توجه بود، استمرار مداوم منافع حاصل شده و گسترش آن به حوزه‌های جدید فعالیت است.^۲

چون تمام جنایات سازمان‌یافته، به منظور تحصیل منفعت مالی ارتكاب می‌یابد و عواید حاصل از آن باید به نحوی تطهير شود، لذا برخورد مناسب با تطهير پول، ضمن این که مبارزه با ارتكاب این عنوان مجرمانه است، در واقع، مبارزه با سایر جنایات سازمان‌یافته که جرم مقدم یا اصلی نامیده می‌شود نیز محسوب می‌گردد. در مبارزه با تطهير پول به عنوان جزئی از مبارزه با جنایت سازمان‌یافته، اهداف زیر تعقیب می‌شود:

الف) جلوگیری از گسترش عایدات و حجم فعالیت سازمان جنایی.

ب) تضعیف قدرت اقتصادی ساختار به هم پیوسته سازمان با مصادره اموال، به تبع احراز جنایت ارتكابی.

ج) پیدا کردن ادله با تشخیص طریقی که پول مورد تطهير طی کرده است، به منظور رسیدن به سطوح عالی سازمان جنایی.^۳

در دو دهه گذشته که خطرها و تهدیدهای این جرم در جامعه بین‌المللی نمود پیدا

1. Louise I. Shelley, *Crime and Corruption in Digital age*, JOURNAL OF INTERNATIONAL AFFAIRS, Spring 1998, 51, p.238; www.american.edu/tracc/centers/washington/washresr.htm.
2. Ibid.
3. Susanne Hein/ Costantino Visconti, *Combating Illegal Proceeds in Italy*, Towards a European Criminal Law Against Organised Crime, Vincenzo Militello (ed.) Freiburg 2001, p.90.

کرده است، سازمانها و ارگانهای مختلفی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی در صدد ارائه روشهایی برای مبارزه با این عمل مجرمانه برآمده‌اند. برای نمونه، «فاتف»^۱ یک ارگان بین‌المللی است که به طور مداوم و گسترده، در زمینه تعیین سیاستها و اقدامهای ضد تطهیر پول فعالیت می‌کند. از مهمترین اقدامهای این ارگان، تصویب «چهل توصیه» در سال ۱۹۹۰ است که در چهار دسته اصلی تدوین یافته است:

۱. کلیات: در این قسمت، از دولتهای عضو خواسته می‌شود کنوانسیون «وین» را تصویب کنند، تضمین کنند که قوانین مربوط به حفظ اسرار مؤسسات مالی، اجرای توصیه‌نامه‌ها را تعطیل نکنند و همکاری چندجانبه و معاضدت دوجانبه را در تحقیق، تعقیب و استرداد، گسترش دهند.

۲. چارچوب حقوقی: در این باب، بر ضرورت جرم‌انگاری عواید ناشی از جنایات مرتبط با مواد مخدر تأکید می‌شود و لزوم توسعه مقرراتی که اجازه ضبط، تصاحب و مصادره اموال مربوط به عواید تطهیر شده را بدهد، بیان می‌گردد.

۳. نقش سیستم مالی: در این قسمت، نقش بانکها، شرکتهای بیمه عمر و سایر مؤسسات مالی غیر از بانکها بیان می‌شود. نقشی که به مؤسسات مالی داده می‌شود، عبارت است از تعیین هویت مشتریان، حفظ دفاتر و ارائه آنها به مراجع صالح برای تحقیق و تعقیب کیفری. بنابراین، مفهوم ضمنی این توصیه‌نامه‌ها آن است که حساب بی‌نام افتتاح نشود. به مؤسسات مالی، همچنین توصیه می‌شود ضمن تلاش در تعیین هویت کامل مشتریان، موارد مشکوک و فعالیتهای مورد سوء ظن را گزارش کنند و بر رویه‌ها و سیاستهای داخلی، به خوبی نظارت شود. از سوی دیگر، این توصیه‌نامه‌ها دولتها را تشویق می‌کند مقررات حقوقی برای حمایت از مؤسسات مالی و کارکنان آنها در خصوص گزارش فعالیت مشکوک با حسن نیت وضع کنند تا در این زمینه، مسؤولیت حقوقی بر آنها بار نشود. انتظار می‌رود مقامات مربوط، تضمین کنند که مؤسسات مالی، در جایی استقرار یابند که تضمینهای کافی داخلی در قبال تطهیر پول وجود دارد. از دولتها خواسته می‌شود اقدامهای حقوقی و انضباطی اتخاذ کنند تا از



1. FATF: The Financial Action Task Force.

کنترل مؤسسات مالی توسط جنایتکاران جلوگیری کنند.

۴. تقویت همکاری بین‌المللی: در این زمینه، توصیه‌نامه‌ها، مقامات را تشویق به مبادله اطلاعات در خصوص جریان پول، فنون تطهیر پول و معاملات یا عملیات مشکوک می‌کند. همکاری بین‌المللی باید با توافقنامه‌های دوجانبه و چندجانبه مبتنی بر مفاهیم حقوقی که عموماً مشترک است، تقویت شود. همکاری و معاضدت دوجانبه باید شامل ارائه دفاتر توسط مؤسسات مالی، تعیین هویت، ضبط، تصاحب و مصادرهٔ منافع جنایی و استرداد و تعقیب کیفری باشد.^۱

در سطح بین‌المللی و جهانی، با تنظیم دو کنوانسیون بین‌المللی، دولتها سعی در هماهنگی و همکاری در برخورد با این عمل مجرمانه داشته‌اند:

۱. کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان؛ که در دسامبر ۱۹۸۸ به امضای دولتها رسیده است و در تاریخ ۱۳۷۰/۹/۳ مجلس شورای اسلامی آن را تصویب کرده است. در این سند، بر تطهیر منافع ناشی از مواد مخدر و روانگردان تأکید شده است.

۲. کنوانسیون ملل متحد علیه جنایات سازمان‌یافتهٔ فراملی؛ که در دسامبر ۲۰۰۰ در پالمو (ایتالیا) به امضای ۱۴۷ دولت و به تصویب ۲۸ دولت رسیده است.^۲

این کنوانسیون، تطهیر پول را به عنوان یک جنایت سازمان‌یافته و با جامعیت بیشتری مورد توجه قرار داده است. ایران هنوز این سند را تصویب نکرده است و لایحهٔ آن در قوهٔ مجریه، تحت بررسی است.

کنوانسیون پالمو به عنوان جامعترین و جدیدترین سند بین‌المللی، در تعریف این عنوان جنایی، محور و مبنای این نوشتار است. با این وجود، لایحهٔ مبارزه با جرم پولشویی در تاریخ ۱۳۸۱/۷/۶ از جانب رئیس‌جمهور به مجلس تقدیم شده است.^۳

1. David Scott, *Money Laundering and International Efforts to Fight It*; <http://www.worldbank.org/html/fpd/notes/48/48scott.html>.
2. <http://www.untreaty.un.org/ENGLISH/bible/englishinternetbible/part1/chapterXVIII/treaty12asp>.

۳. متن لایحه در ضمیمهٔ پایان همین مقاله آمده است.

مقصود از این نوشتار، مقایسه مندرجات کنوانسیون بین‌المللی مزبور با لایحه مذکور است تا نارساییهای احتمالی این لایحه روشن شود. با اصلاح لایحه مزبور و تصویب قانونی دقیقتر، هم راه مبارزه با این عمل مجرمانه هموارتر می‌شود و هم به تعهدات بین‌المللی خود؛ خصوصاً پس از تصویب کنوانسیون، عمل می‌کنیم.

تدوین کنندگان کنوانسیون، از جهتی سعی در هماهنگ نمودن قوانین ملی در زمینه جرم‌انگاری و برخورد با تطهیر پول داشته‌اند و از سوی دیگر، کوشیده‌اند همکاری دولتها به شکل تبادل اطلاعات، همکاری در مصادره اموال و منافع تطهیر شده یا در شرف تطهیر، توسعه همکاری جهانی، منطقه‌ای و دوجانبه میان مقامات قضایی، اجرای قانون و مقامات انتظامی مالی به منظور مبارزه با تطهیر پول، انجام گیرد.

در ایران، طرح تصویب کنوانسیون پالرمو در قوه مجریه مطرح و در حال رسیدگی است. با این حال، لایحه مبارزه با جرم پولشویی از جانب ریاست جمهوری به مجلس ارسال گردیده^۱ و در کمیسیون مشترک (متشکل از برخی اعضای کمیسیون اقتصادی، کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات و کمیسیون قضایی و حقوقی) تحت بررسی است. از سوی دیگر، شورای پول و اعتبار، اقدام به تصویب مقرراتی برای پیشگیری از تطهیر پول نموده است که برای همه بانکها و نهادهای مالی الزام‌آور است.^۲ همان‌طور که برخی از اساتید اشاره کرده‌اند، این‌گونه اقدامها را می‌توان پاسخهای بانکی یا پاسخهای حقوق بانکی نامید.^۳

مطالب این گفتار را در دو مبحث اصلی «مفهوم تطهیر پول» و «تطهیر پول در کنوانسیون پالرمو و لایحه پولشویی» بررسی می‌کنیم.

مفاد کنوانسیون ۱۹۸۸ در خصوص تطهیر پول را نیز در ضمن بیان تاریخچه، بررسی می‌کنیم.

۱. شماره ۱۳۸۱/۷/۶-۲۷۱۴۹/۳۲۱۵۶.

۲. روزنامه ایران، شماره ۲۳۹۳، سال نهم، شنبه، ۳ اسفند ماه ۱۳۸۱، ص ۶۰.

۳. ر.ک: علی حسین نجفی ابرندآبادی، *درآمدی به جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر*، همایش بین‌المللی علمی-کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، جلد اول، چاپ روزنامه رسمی کشور، (تهران، ۲۰-۲۲ اردیبهشت ۱۳۷۹) ص ۲۳-۲۴.

مفهوم تطهیر پول

در این زمینه، برای روشن شدن مفهوم تطهیر پول، نخست پیشینه تاریخی تطهیر پول و نحوه پیدایش این عنوان را بیان می‌کنیم، آنگاه به ترتیب، تعریف و مفهوم، مصادیق و در نهایت، مراحل این مجرمانه را بررسی می‌کنیم.

الف) پیشینه تاریخی

تطهیر پول «به عنوان یک جنایت» دو دهه سابقه دارد و عملاً از دهه ۱۹۸۰ و اساساً در مورد قاچاق دارو جلب توجه نموده است. با این حال، سابقه تطهیر پول، بسیار بیشتر از این است.^۱

گفته می‌شود که اصطلاح «تطهیر پول» ریشه در مالکیت خشکشویی‌ها توسط مافیا در ایالات متحده دارد. باندهای جنایتکارانه، مبالغ عظیمی حاصل از فحشا، قمار، قاچاق مواد الکلی و اخاذی به دست می‌آوردند و نیاز به منابعی داشتند که درآمدهای خود را مشروع جلوه دهند.

یکی از شیوه‌هایی که آنها می‌توانستند به این هدف خود نایل شوند، خریداری تجارت‌خانه‌های مشروع خارجی و ادغام منافع غیرقانونی خود با درآمدهای قانونی‌ای بود که از این تجارت‌خانه‌ها به دست می‌آوردند. خشکشویی‌ها توسط این باندها انتخاب شدند به دلیل این که بدین وسیله، منافع غیرقابل تردیدی از این راه به دست می‌آوردند.^۲

شاید علت انتخاب عنوان «تطهیر» یا «شست و شو» از همین جا نشأت گرفته است؛ یعنی این واژه از دهه‌های بیست و سی قرن بیستم در آمریکا به شست‌وشوی خانه‌هایی که مافیا آنها را از پول نامشروع حاصل از قمار، فحشا و نظایر آنها خریداری کرده بود و پول کثیف را به داخل آنها تزریق می‌نمود، اطلاق

1. Billy Steel, *Money laundering - A Brief History*; www.laundryman.u-net.com.

2. Ibid.

می شد.^۱

بر اساس یک نظر دیگر، علت انتخاب واژه «پولشویی» یا «تطهیر پول» برای این عمل، آن است که این روند، مثل یک شست‌وشوی خانه یا ماشین لباس‌شویی که چرک و کثافت را از لباسها جدا می‌کند، عمل کرده، با جدا کردن کثافات ناشی از جرم پول، یا هر مال دیگر ناشی از جرم، آن را پاک می‌سازد.^۲

به هر حال، دولتها از دهه ۱۹۸۰ به فکر خطر تطهیر پول و مبارزه با آن افتادند و به این نتیجه رسیدند که سازمانهای جنایتکارانه از طریق منافع عظیمی که از قاچاق داروها تحصیل می‌کنند، اقتصاد را تخریب نموده، سیستم اقتصادی را فاسد می‌کنند. مهمترین سند بین‌المللی جهانشمولی که قبل از کنوانسیون پالرمو مبادرت به تعریف تطهیر پول نموده، از این حیث، نقطه عطف محسوب می‌گردد، کنوانسیون وین ۱۹۸۸ ملل متحد علیه قاچاق غیرقانونی داروهای مخدر و مواد روانگردان است. در بند ۱(b) ماده ۳ کنوانسیون مزبور، تطهیر پول، این‌گونه تعریف شده است:



- تبدیل یا انتقال اموال با علم بر این‌که چنین اموالی ناشی از جرم مندرج در بند (a) این پاراگراف بوده یا ناشی از عمل مشارکت در چنین جرمی است، به منظور اختفا یا انحراف منشأ غیرقانونی مال یا به منظور کمک به کسی که در ارتکاب چنین جرمی نقش داشته، تا از آثار قانونی اعمال ارتكابی خود رهایی یابد.
- اختفا یا انحراف ماهیت واقعی، منبع، محل استقرار، نقل و انتقال، حرکت، حقوق متعلقه یا مالکیت اموال با علم بر این‌که چنین اموالی ناشی از جرم مقرر در بند (a) این ماده یا ناشی از عمل مشارکت در چنین جرمی است.

1. Paula M. Reid, *Money Laundering-An Irish Perspective*, Money Laundering Control, Dublin; Sweet and Maxweel, (1996) pp.206-227.

به نقل از دکتر حسین میرمحمدصادقی، *حقوق جزای بین‌الملل* (مجموعه مقالات)، نشر میزان، ۱۳۷۷، ص ۳۳۳.

2. D.A. Chaikin, *Money Laundering as a Supranational Crime*, Principles and Procedures for a New Transnational Criminal Law, ed. A. Eser and O. Lagodny, Freiburg: Eigenverlag Max-Planck Institut, (1992) pp.415-455 at 416. (به نقل از همان)

منظور از جرم مقرر در بند (a) که در هر دو پاراگراف فوق به آن اشاره شده، قاچاق غیرقانونی داروهای مخدر و مواد روانگردان است.

(ب) تعریف تطهیر پول (تطهیر منافع حاصل از ارتکاب جنایت)

تعاریف مختلفی از تطهیر پول در اسناد بین‌المللی و توسط حقوق‌دانان ارائه شده است. «دکتر میرمحمدصادقی» تطهیر مال را این‌گونه تعریف می‌کند:

منظور از تطهیر مال، مخفی کردن منبع اصلی اموال ناشی از جرم و تبدیل آنها به اموال پاک است؛ به طوری که یافتن منبع اصلی مال، غیرممکن یا بسیار دشوار گردد.^۱

در تطهیر پول، منافع حاصل از ارتکاب جنایت، وارد سیستم مالی می‌شود تا ریشه غیرقانونی آن گم شود و منافع مشروع به نظر آید. اغلب موارد، وقتی از جنایت سازمان‌یافته، منافع قابل توجهی حاصل می‌گردد؛ مثل قاچاق دارو، قاچاق تسلیحات و جرایم یقه‌سفیدها، تطهیر پول در کنار جنایت سازمان‌یافته وجود دارد.^۲

ماده یک طرح دستورالعمل^۳ جوامع اروپایی، در مارس ۱۹۹۰ تطهیر پول را این‌گونه تعریف می‌کند:

تبدیل یا انتقال اموال با علم به این که چنین اموالی از جنایت شدیدی ناشی شده است، به منظور اختفا یا انحراف منشأ غیرقانونی اموال یا کمک به هر شخصی که به ارتکاب چنین جرم یا جرایمی مبادرت می‌ورزد، به منظور رهایی یافتن از آثار حقوقی اقدام وی و اختفا یا انحراف ماهیت واقعی، منبع، محل استقرار، انتقال، حرکت، حقوق مربوط به اموال یا مالکیت اموال با علم بر این که چنین اموالی از ارتکاب یک جنایت شدید نشأت گرفته است.^۴

۱. حسین میرمحمدصادقی، همان، ص ۳۳۲.

2. David Scott, *Money Laundering and International Efforts to Fight It*; <http://www.worldbank.org/html/fpd/notes/48/48scott.html>.

3. Directive.

4. <http://www.europa.eu.int/eur-lex/en/com/dat/1999/en599pc0352.html>.

در تعریف دیگری که توسط یک حقوق‌دان به طور مختصر و مفید ارائه شده، چنین آمده است:

تطهیر پول، روندی است که بدان وسیله به منشأ مبالغ هنگفت پولی که به طرق غیرقانونی تحصیل شده است (از قاچاق دارو، فعالیت تروریستی یا دیگر جنایات جدی) ظاهری مشروع و قانونی داده شود.^۱

ج) مصادیق تطهیر پول

همان طور که از تعاریف فوق استنباط می‌شود، امروزه پنج عمل (فعل و ترک فعل) اصلی در خصوص تطهیر پول وجود دارد:

۱. کمک به دیگری برای حفظ منافع ناشی از جرم.
۲. تحصیل، تصرف و استفاده از منافع مجرمانه.
۳. اختفا یا انتقال منافع برای اجتناب از تعقیب یا حکم صادره.
۴. عدم افشای ارتکاب جرم تطهیر پول در صورت علم به آن یا ظنن شدن به آن.
۵. اطلاع‌رسانی نهانی.^۲

منظور از کمک به دیگری برای حفظ منافع جرم، این است که شخصی با همکاری دیگری و با علم و یا سوءظن به این که دیگری به قاچاق دارو (مخدر) یا رفتار مجرمانه دیگری اشتغال دارد یا از این طریق، منفعی تحصیل کرده است، به وی کمک کند که منافع حاصل را حفظ یا کنترل کند، به نحوی که او را قادر سازد آن منافع را به نفع خود سرمایه‌گذاری نماید.

منظور از مورد دوم، استفاده یا تصرف اموالی است که شخص می‌داند منافع حاصل از قاچاق دارو (مخدر) یا رفتار مجرمانه دیگری است و حداقل از ارزش



1. www.laundryman.u-net.com Billy Steel, *Money Laundering - What Is Money Laundering?*

2. www.laundryman.u-net.com Billy Steel, *Money Laundering - Offences*

واقعی کمتر تحصیل شده است یا دلایل کافی وجود دارد که چنین سوءظنی پیدا کند. اختفا عبارت از گمراه کردن یا از بین بردن یا انتقال منافع حاصل از قاچاق دارو یا رفتار مجرمانه دیگر به منظور رهایی دادن شخصی از تعقیب یا کمک کردن به او از گریختن از چنگال عدالت است. این جرم، زمانی محقق می‌شود که شخص کمک‌کننده، از ماهیت اموال اطلاع داشته یا دلایل کافی وجود داشته است که به آن سوءظن پیدا کند.

مورد چهارم، فقط به قاچاق دارو (مخدر) و تروریسم مربوط می‌شود و به عواید و منافع حاصل از جرم به طور کلی ارتباط ندارد. این جرم، زمانی واقع می‌شود که شخصی در جریان عملیات تجاری، شغلی یا استخدامی خود، از وجود جرم اطلاع حاصل کند و به پلیس یا مأمور گمرک اطلاع ندهد.

منظور از اطلاع رسانی نهانی نیز این است که فرد مطلع، اطلاعات یا هر امر دیگری را که می‌تواند به جریان کشف، تعقیب و رسیدگی خلل وارد کند، به اطلاع مظنون برساند. این امر، زمانی پیش می‌آید که کسی اطلاع یا ظن حاصل می‌کند که پلیس به فعالیتهای کسی آگاه یا ظنین شده و رسیدگی پلیسی در مورد تطهیر پول آغاز شده و یا در شرف آغاز شدن است و با اطلاع‌رسانی مخفیانه به مظنون، جلو کشف جرم را می‌گیرد و یا در روند آن اختلال ایجاد می‌کند.^۱

د) مراحل تطهیر

برای تطهیر عواید ناشی از جرم، سه مرحله متمایز از هم؛ یعنی «استقرار»، «استتار» و «ادغام» طی می‌شود. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. استقرار

چون جرایم مقدم بر تطهیر، عمدتاً جرایمی است که پول نقد فراوانی از فعالیتهای

1. Ibid.

نامشروع عاید مرتکبان می‌کند، در این مرحله، وجوه حاصل شده، وارد سیستم مالی یا اقتصاد خرد می‌شود و یا به خارج از کشور انتقال می‌یابد تا در دسترس نباشد و امکان کشف از بین رود و سپس در فرصتهای بعدی، آنها را به اموال دیگری مثل چکهای مسافرتی، حوالجات و غیره تبدیل کنند.^۱ همچنین ممکن است این وجوه به اشیای گران قیمت؛ مثل آثار هنری، هواپیما و فلزات و سنگهای قیمتی تبدیل شده، سپس مجدداً فروخته شود.^۲

۲. استتار

در این مرحله، کوشش می‌شود با ایجاد پوششهای پیچیده با معاملات مالی، منبع واقعی تملک اموال مخفی گردد یا وارونه جلوه‌گر شود. هدف از استتار، آن است که پولهای غیرقانونی ناشی از ارتکاب جنایت، با معاملات مالی پیچیده، از منشأ اصلی خود جدا شود. این روند، غالباً با نقل و انتقال فرامرزی با وسایل الکترونیکی صورت می‌گیرد. با توجه به این که در جهان ۵۰۰/۰۰۰ خط سیم مبادلاتی وجود دارد که از طریق آنها روزانه یک میلیارد دلار مبادلات الکترونیکی صورت می‌گیرد که بیشتر این مبادلات نیز مشروع است، ابعاد پیچیدگی کشف این جرم، بیشتر روشن می‌شود. تطهیرکنندگان، همچنین به معاملات پیچیده سهام و دلّالی نیز مبادرت می‌ورزند.^۳



۳. ادغام

در این مرحله، پول وارد سیستم اقتصادی و مالی مشروع می‌گردد و مشابه تمام اموال دیگر است و تشخیص آن از اموال مشروع، غیرممکن می‌گردد. وارد شدن پول «پاک شده» به سیستم اقتصادی توسط تطهیرکننده، همراه با مانورهایی است که وانمود کند مال به طریق مشروع تحصیل شده است. در این مرحله، از شگردهای مختلفی استفاده می‌شود:

1. www.laundryman.u-net.com Billy Steel, *Money Laundering - stages of The Process*.

2. Scott, op cit.

3. Steel, op cit.

الف) ایجاد شرکت‌های بی‌نام یا با نام مستعار در کشورهایی که حق حفظ اسرار (حق خلوت) تضمین گردیده است. مجرمان سپس با انجام معاملات قانونی، از محل وجوه تطهیر شده، به خودشان وام می‌دهند و حتی در بازپرداخت وام، ادعای معافیت مالیاتی می‌کنند.

ب) ارسال صورت حساب‌های غیر واقعی صادرات و واردات کالاهایی که افزایش قیمت زیادی دارد، به تطهیرکنندگان اجازه می‌دهد که پول را از شرکتی به شرکت دیگر قانونی جلوه می‌دهد.

ج) یک روش ساده‌تر، ارسال پول از بانک متعلق به خود تطهیرکنندگان به بانک‌های موجود در «مأم‌نهای مالیاتی»^۱ است.^۲

تطهیر پول در کنوانسیون پالمو و لایحه پولشویی

مطالب کنوانسیون پالمو را در زمینه تطهیر پول، در چهار دسته می‌توان تقسیم‌بندی کرد: «جرم‌انگاری»، «پیشگیری»، «کشف جرم» و «ضمانت اجرا». بنابراین، ضمن بیان مطالب به ترتیب فوق، در هر مورد، مندرجات لایحه پولشویی را نیز بیان و تحلیل می‌کنیم.

الف) جرم‌انگاری

کنوانسیون در صدد ایجاد تعهدات انعطاف‌ناپذیر برای دولتهای متعاقد نیست، بلکه

۱. مقصود از «مأم‌ن» یا «Haven» کشورهایی است که سخت‌گیری بیشتری نمی‌کنند و مجرمان به راحتی می‌توانند از این کشورها به عنوان پناهگاه استفاده کنند. لازم به توضیح است که این کلمه انگلیسی به معنای «بندرگاه» و «لنگرگاه» است و در معنای مجازی، به مفهوم «پناهگاه» و «جای امن» به کار می‌رود. (ر.ک: عباس و منوچهر آریانپور کاشانی، فرهنگ جیبی انگلیسی - فارسی، چاپ اول، ۱۳۵۵، چاپخانه سپهر تهران، ص ۳۱۳) در حالی که دکتر میرمحمدصادقی، آن را «بهشت» ترجمه نموده که ظاهراً ترجمه کلمه «Heaven» است (ر.ک: حسین میرمحمدصادقی، پیشین، ص ۳۳۲).

2. www.laundryman.u-net.com Billy Steel, *Money Laundering - stages of The Process*.

در صدد است دولتها را ترغیب کند حقوق داخلی خود را تا جایی که با اصول حقوق ملی خویش منطبق بدانند، با مندرجات کنوانسیون و در نتیجه، با حقوق داخلی سایر دولتها منطبق نمایند. از این رو، به جای تعریف عنوان مجرمانه که سایر دولتها ملزم به پذیرش آن باشند، تعریفی ارائه شده و دولتها ملزم گردیده‌اند با وضع قوانین مقتضی، عمل مزبور را در حقوق داخلی خود، جرم‌انگاری کنند. ماده ۶ کنوانسیون، با عنوان «جرم‌انگاری تطهیر منافع حاصل از جنایت» تطهیر پول را چنین تعریف کرده است:

۱. هر دولت متعاهدی طبق اصول اساسی حقوق داخلی خودش، چنین اقدامات قانون‌گذاری و سایر اقداماتی را که برای جرم جنایی^۱ تلقی کردن این اعمال لازم باشد، اتخاذ خواهد کرد، زمانی که اعمال زیر به طور عمدی ارتکاب یابد:

(I) (a) تبدیل یا انتقال اموال با علم به این که چنین اموالی، منافع حاصل از جنایت است، به منظور اختفا یا گمراه نمودن منشأ غیرقانونی اموال یا کمک به کسی که مرتکب جرم مقدم می‌شود، به منظور زدودن آثار حقوقی اقدام وی.

(II) اختفا یا گمراه نمودن ماهیت واقعی، منبع، مکان، انتقال، حرکت یا مالکیت اموال یا حقوق مربوط به آن، با علم به این که چنین اموالی، منافع حاصل از جنایت است.

(b) طبق مفاهیم اساسی سیستم حقوقی هر کشوری:

(I) تحصیل، تصرف یا استفاده از اموال، با علم به این که در زمان دریافت، چنین اموالی، منافع حاصل از جرم است.

(II) شرکت در ارتکاب یا همکاری یا تبانی در ارتکاب یا شروع به ارتکاب و کمک، معاونت، تسهیل و مشاوره دادن به ارتکاب هر گونه جرایمی که طبق این ماده، جرم تلقی می‌شود.

۲. به منظور اعمال یا اجرای بند ۱ این ماده:

(a) هر دولت متعاهدی سعی خواهد کرد بند ۱ این ماده را به گسترده‌ترین نحو ممکن، درباره جرایم مقدم اجرا کند.

(b) هر دولت متعاهدی، تمام جرایم مندرج در ماده ۲ این کنوانسیون و جنایاتی را



که طبق مواد ۵، ۸ و ۲۳ این کنوانسیون ایجاد شده است، به عنوان جرایم مقدم، در قانون داخلی خود وارد خواهد کرد. دربارهٔ دولتهای متعاهدی که قانونشان یک لیست جرایم مقدم ویژه برشمرده است، حداقل در چنین لیستی، فهرست جامعی از جرایم مرتبط با گروههای جنایتکارانه سازمان‌یافته وارد خواهد نمود.

(c) طبق بند (b)، جرایم مقدم، شامل جرایمی خواهد بود که هم در داخل و هم در خارج از صلاحیت دولت متعاهد مورد بحث، ارتکاب می‌یابد. با این وجود، جرایم ارتكابی در خارج از صلاحیت یک دولت متعاهد، فقط زمانی جرایم مقدم محسوب خواهد شد که رفتار مربوطه، طبق حقوق داخلی دولتی که در سرزمین آن، جرم ارتکاب یافته، یک جرم جنایی باشد و اگر آن جرم در داخل سرزمین دولت متعاهد اجرا یا اعمال‌کنندهٔ این ماده ارتکاب یافته باشد، طبق حقوق داخلی آن دولت، یک جرم جنایی باشد.

(d) هر دولت متعاهدی، کپی قوانین خودش را که در اجرای این ماده تصویب شده است و تغییرات بعدی چنین قوانینی یا تفاسیر مربوط به آن را به دبیرکل ملل متحد تسلیم خواهد کرد.

(e) اگر اصول اساسی حقوق داخلی دولت متعاهدی اقتضا کند، مقرر شود که جرایم مذکور در بند ۱ این ماده دربارهٔ اشخاصی که مرتکب جرم مقدم شده‌اند، اجرا نشود.

(f) علم، قصد یا هدف که به عنوان عنصر یک جرم مندرج در بند ۱ این ماده بیان شده است، از شرایط و اوضاع و احوال عینی موضوعی قابل استنباط خواهد بود.

نخست باید مفهوم «جرم مقدم»^۱ یا جرم اصلی که در این ماده، بسیار به کار رفته است، روشن شود. در بند «۱» ماده ۲ کنوانسیون، این اصطلاح چنین تعریف شده است: «جرم مقدم» به معنای هر جرمی خواهد بود که در نتیجهٔ ارتکاب آن، منافع حاصل شده است که می‌تواند طبق تعریف مندرج در مادهٔ ۶ این کنوانسیون، خودش یک جرم تلقی شود.

به عبارت دیگر، جرم تطهیر اموال، مبتنی بر ارتکاب جرمی مستقل است که سپس عواید و منافع ناشی از آن جرم تطهیر می‌گردد. جرم ارتكابی اول که عواید حاصل از

1. Predicate Offence.

آن تطهیر می‌گردد، «جرم مقدم» نامیده می‌شود. در لایحه پولشویی از عبارت «جرم منشأ» استفاده شده است.^۱

همان‌طور که از مطالعه کارهای مقدماتی تدوین کنوانسیون، به خوبی روشن می‌گردد، مقصود از اصطلاحات «اختفا یا گمراه نمودن»، اقداماتی است که برای پیشگیری از افشای منشأ غیرقانونی اموال صورت می‌گیرد.^۲ محتوای این ماده در جایی که عنوان جنایی را تعریف می‌کند، به دو دسته قابل تقسیم است:

الف) تعهداتی که به طور مطلق بر دولتهای متعاقد بار می‌شود.

ب) تعهداتی که دولتها بر اساس اصول و مفاهیم اساسی حقوق داخلی خود، ملزم به اجرای آن هستند.

به عبارت دیگر، قسمت اخیر، قواعدی اختیاری و تکمیلی را شامل می‌شود که اگر دولتی چنین قواعدی را خلاف حقوق داخلی یافت، می‌تواند از اجرای آنها امتناع کند. اگرچه وجود چنین اختیاری برای دولتها در نگاه نخست می‌تواند هماهنگی کنوانسیون و اجرای آن را مختل کند، ولی چنین تدبیری برای جذب دولتهای بیشتری برای تصویب، اندیشیده شده است.

توضیح، این که در مواردی که قواعد موجود در قوانین ملی دولتهای مختلف، با برخی از مندرجات کنوانسیون، متناقض یا حتی متعارض است، اگر دولتی با پیوستن به معاهده، گریزی از مندرجات مربوط نداشته باشد، ناچار خواهد بود از الحاق به کنوانسیون خودداری کند، لیکن اگر بتواند برخی قسمتها را که تعارض اساسی با حقوق داخلی آن کشور دارد، اجرا نکند، به راحتی می‌تواند نسبت به تصویب یا الحاق به کنوانسیون اقدام کند؛ بی آن که در این زمینه دغدغه تعارض با حقوق ملی خویش را داشته باشد.

در تعریف تطهیر منافع حاصل از جنایت، جرم‌انگاری تبدیل یا انتقال اموال با علم



۱. ماده ۲ لایحه.

2. U.N.Doc.A/55/383/Add.1,p.3.

به این که چنین اموالی، منافع حاصل از جنایت است، به منظور اختفا یا گمراه نمودن منشأ غیرقانونی اموال یا کمک به کسی که مرتکب جرم مقدم می‌شود، برای زدودن آثار حقوقی اقدام مرتکب و اختفا یا گمراه نمودن ماهیت واقعی، منبع، مکان، انتقال، حرکت یا مالکیت اموال یا حقوق مربوط به آن، به عنوان تعهدی مطلق پیش‌بینی شده و هر دولت متعاهدی مکلف به جرم‌انگاری این اعمال است.

لیکن تحصیل، تصرف یا استفاده از اموال، با علم به این که چنین اموالی، منافع حاصل از جرم است، مشروط به سازگاری این موارد با حقوق داخلی شده است. در حقوق داخلی ایران در قوانین مصوب، فقط خرید و فروش اموال مسروقه در قانون مجازات اسلامی منع شده،^۱ ولی قانون ایران در خصوص تعریف مورد نظر کنوانسیون، ساکت است و با تصویب لایحه پولشویی، تا حدی این نقیصه برطرف خواهد شد.

ماده ۱ لایحه مبارزه با جرم پولشویی مقرر می‌دارد:

جرم پولشویی عبارت است از هرگونه تبدیل یا تغییر یا نقل و انتقال یا پذیرش یا تملک دارایی با منشأ غیرقانونی، به طور عمدی و با علم به آن برای قانونی جلوه دادن دارایی یاد شده.

ملاحظه می‌شود که «پذیرش یا تملک» دارایی نیز در این تعریف گنجانده شده است. همچنین شرکت در ارتکاب یا همکاری یا تبانی در ارتکاب یا شروع به ارتکاب و کمک، معاونت، تسهیل و مشاوره دادن به ارتکاب هرگونه جرایمی که طبق این ماده، جرم تلقی می‌شود، منوط به انطباق این موارد با مفاهیم و اصول حقوق داخلی شده است. موارد شمرده شده در این بند، از مصادیق بارز مشارکت و معاونت در جرم می‌باشد که در حقوق داخلی ایران، طبق قانون مجازات اسلامی، این مفاهیم پذیرفته

۱. ماده ۶۶۲ قانون مجازات اسلامی در این زمینه اشعار می‌دارد: «هر کس با علم و اطلاع یا با وجود قرائن اطمینان‌آور به این که مال در نتیجه ارتکاب سرقت به دست آمده است، آن را به نحوی از انحاء تحصیل یا مخفی یا قبول نماید یا مورد معامله قرار دهد، به حبس از شش ماه تا سه سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.»

شده است.^۱

در لایحه پولشویی، ضمن این که همچون سایر جرایم، مشارکت در پولشویی، مساوی با مباشرت تلقی شده است، معاونت در جرم، از دو مقوله فوق متمایز شده و مجازات خفیفتری برای آن پیش‌بینی شده است.^۲ اگرچه در جرایم عادی، اعمال مجازات خفیفتر در خصوص معاون، اصلی مسلم و منطقی است، لیکن اعمال این قاعده در جنایات سازمان‌یافته، چندان صحیح نیست؛ چون در بسیاری از موارد، کسی که مستقیماً در رکن مادی جرم دخالت نمی‌کند، نقش بسیار مهمتری (با طراحی، مدیریت و...) ایفا می‌کند. به نظر می‌رسد تدوین‌کنندگان لایحه، توجه چندانی به جنایات سازمان‌یافته نداشته‌اند. نه تنها باید نسبت به معاون جرم، با قید سازمان‌یافته بودن جرم، رفتاری برابر با مباشر شود، بلکه اصولاً این ویژگی باید موجب تشدید مجازات و تمهیداتی ویژه و کارآمد نیز بشود.

لایحه پولشویی در خصوص شروع به جرم پولشویی، ساکت است. با ابهاماتی که ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی در تعریف و قابل مجازات بودن شروع به جرم دارد، شروع به پولشویی قابل مجازات نخواهد بود.^۳

در اولین پاراگراف بند ۲ ماده مذکور کنوانسیون، دولتها متعهد شده‌اند که تلاش



۱. مواد ۴۲ و ۴۳ مشارکت و معاونت در جرم را به ترتیب زیر تعریف می‌کند:

ماده ۴۲: هرکس عالماً و عامداً با شخص یا اشخاص دیگر در یکی از جرایم قابل تعزیر یا مجازاتهای بازدارنده مشارکت نماید و جرم، مستند به عمل همه آنها باشد، خواه عمل هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد، خواه نباشد و خواه اثرکار آنها مساوی باشد، خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم خواهد بود....

ماده ۴۳: اشخاص زیر، معاون جرم محسوب و با توجه به شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم، از وعظ و تهدید و درجات تعزیر، تعزیر می‌شوند: ۱. هر کس، دیگری را تحریک یا ترغیب یا تهدید یا تطمیع به ارتکاب جرم نماید و یا به وسیله دسیسه و فریب و نیرنگ، موجب وقوع جرم شود؛ ۲. هر کس با علم و عمد، وسایل ارتکاب جرم را تهیه کند و یا طریق ارتکاب آن را با علم به قصد مرتکب، ارائه دهد؛ ۳. هر کس عالماً و عامداً وقوع جرم را تسهیل کند....

۲. ماده ۴ لایحه.

۳. در خصوص ایرادات و نقد ماده ۴۱ ر.ک: صادق سلیمی، *پدیده مجرمانه و مسئولیت کیفری در*

حقوق بین‌المللی و حقوق کیفری ایران، نشر خیام، ۱۳۷۷، ص ۲۲۷.

کنند تا بیشترین حد ممکن، مفاد بند ۱ را درباره «جرایم مقدم» اجرا کنند. اگرچه از سیاق جمله، کاملاً روشن است که اجرای این ماده، جنبه اختیاری دارد، نه اجباری، لیکن برای این که دولتهایی که اجرای این ماده را با حقوق داخلی خود ناسازگار می‌بینند، هیچ گونه نگرانی در این زمینه نداشته باشند، در بند «e» پیش‌بینی شده است که اگر اصول اساسی حقوق داخلی کشوری اقتضا نماید، ممکن است مقرر شود که جرایم مندرج در بند ۱ این ماده درباره اشخاص مرتکب جرم مقدم، اجرا نشود.

در بند ۲(b) این ماده مقرر شده است که دولتهای متعاقد، جرایم مندرج در مواد ۵، ۸ و ۲۳ این کنوانسیون را به عنوان جرایم مقدم در حقوق داخلی خود وارد کنند. ماده ۵، مشارکت در گروه سازمان‌یافته جنایتکارانه است و ماده ۸، ناظر به فساد مالی یا ارتشاء است. تردیدی نیست که در هر دو عنوان مذکور، منافع مادی، قابل تحصیل است. گروه سازمان‌یافته به منظور تحصیل منفعت مادی یا مالی تشکیل می‌شود و مشارکت در آن، به منظور تحصیل منفعت صورت می‌گیرد و مسلماً برای جلوگیری از کشف جرم، منافع حاصل شده باید تطهیر شود. در جنایت فساد مالی (ارتشاء) نیز ضمن این که مرتشی منافع نامشروعی به دست می‌آورد، از اعمال وی معمولاً منافع کلانی عاید راشی و گروه متبوع وی می‌شود و لذا باید تطهیر شود.

ماده ۲۳ که به «جرمانگاری ممانعت در اجرای عدالت» اختصاص یافته است، شامل مواردی می‌شود که با اعمال تهدید و فشار یا پیشنهاد یا اعطای منفعتی در اقامه شهادت یا ادله در خصوص جرایم مشمول کنوانسیون، مداخله می‌شود یا با تهدید و اعمال فشاری که بر خود مأموران اجرایی و قضایی صورت می‌گیرد، راه عدالت و دادگستری به انحراف کشیده می‌شود. دولتهای متعاقد ملزم شده‌اند که این عنوان جزایی را به عنوان جرم مقدم، در حقوق داخلی خود وارد کنند. در این باره هم به نظر می‌رسد مثل ارتشاء، مقصود اصلی، منفعی باشد که در اثر انحراف مسیر عدالت، برای جنایتکاران حاصل می‌گردد.

به هر حال باید تأکید کنیم که فلسفه پیدایش تطهیر پول یا تطهیر منافع و عواید حاصل از جرم، ارتکاب جنایات بسیار سودآوری مانند قاچاق مواد مخدر و دارو و سایر امور قاچاقی بوده است، لیکن چون این جنایات، موضوع این کنوانسیون نبوده،

بیان نشده است.

در ایران که هنوز کنوانسیون پالمو به تصویب مجلس نرسیده است،^۱ برخی موارد مذکور، جرم‌انگاری نشده و در تعریف دارایی با منشأ غیرقانونی، برخی جرایم مقدم (منشأ) به عنوان نمونه بیان شده است، لیکن تمام موارد مذکور در کنوانسیون را شامل نمی‌شود.

تبصره ماده ۱ اشعار می‌دارد:

دارایی با منشأ غیرقانونی: وجوه یا اموال یا منافع است که از طریق فعالیت‌های مجرمانه از قبیل ارتشاء، اختلاس، تبانی در معاملات دولتی، کلاهبرداری، فرار مالیاتی، قاچاق کالا و ارز، فحشاء، قمار، قاچاق مواد مخدر، ربا و سرقت کسب شده باشد.

در بند ۲(c) با در نظر گرفتن بعد فراملی جنایات سازمان‌یافته، تصریح شده است که جرایم مقدم، هم شامل جرایم ارتكابی در حوزه صلاحیت کشوری می‌شود که به جنایت تطهیر عواید حاصل شده رسیدگی می‌کند و هم شامل جرایم ارتكابی در خارج از حوزه صلاحیت آن کشور می‌شود؛ مشروط بر این که جرم مقدم، در حوزه کشور محل ارتكاب جرم نیز یک جرم جنایی باشد.

امروزه تطهیر منافع حاصل از جنایت توسط گروه‌های سازمان‌یافته جنایتکار، غالباً در کشورهای دیگر صورت می‌گیرد، لذا ضرورت دارد که به مسأله مبالغ نامشروع وارد شده به کشور، توجه شود، و الا اگر قرار باشد هر کشوری فقط به جرایم مقدم در سرزمین خود توجه و رسیدگی کند، مجرمان از خلأ موجود، نهایت سوء استفاده را کرده، عواید نامشروع حاصل شده در هر کشوری را به راحتی در کشور دیگر تطهیر می‌کنند. متأسفانه در لایحه پولشویی ایران، خصیصه فراملی این جرم نیز مورد بی‌توجهی واقع شده و تصریح نشده است که اگر حتی جرایم مقدم (منشأ) در سرزمین دولتی دیگر واقع شود، مشمول این قانون قرار می‌گیرد.



۱. لایحه تصویب کنوانسیون در قوه مجریه در دست بررسی است.

در بند (d) ۲ این ماده پیش‌بینی شده است که هر یک از دولتهای متعاقد، تصویر قوانینی را که در اجرای این ماده تصویب کرده‌اند، برای دبیرکل ملل متحد ارسال خواهند کرد. در واقع، یک نوع سیستم گزارش‌دهی در این بند پیش‌بینی شده است تا دولتها را ملزم به اجرای این ماده کند. می‌دانیم که در غیاب یک ضمانت اجرای قهری برای اعمال و اجرای تعهدات بین‌المللی، یکی از بهترین شیوه‌ها برای ملزم نمودن دولتها به انجام تعهدات خویش، سیستم گزارش‌دهی است.^۱

بالاخره در بند (f) ۲ ماده ۶ مقرر گردیده است که علم، قصد یا هدفی که به عنوان یک عنصر جرم، طبق بند ۱ این ماده لازم دانسته شده، ممکن است از اوضاع و احوال موضوعی عینی استنباط شود. در این عنوان جنایی، سوء نیت شخص، مفروض تلقی شده است؛ یعنی در صورت ارتکاب فعل مجرمانه و با توجه به اوضاع و احوال عینی و موضوعی، مقام تعقیب، ملزم به اقامه دلیل جهت اثبات سوء نیت مرتکب نیست. در لایحه پولشویی، چنین قاعده‌ای پیش‌بینی نشده است و لذا احراز و اثبات سوء نیت، با توجه به پیچیدگی مراحل و شیوه تطهیر پول، بسیار مشکل خواهد بود.

ب) پیشگیری

پیشگیری از تطهیر پول؛ یعنی از بین بردن زمینه‌های ورود عواید نامشروع ناشی از ارتکاب جنایات سازمان‌یافته، به نوبه خود می‌تواند پیشگیری از ارتکاب سایر جنایات سازمان‌یافته نیز تلقی شود؛ زیرا اگر زمینه تطهیر از بین برود، جنایتکاران سازمان‌یافته با فرض موفقیت در ارتکاب جرم اصلی و اولیه، نخواهند توانست از مزایا و فواید مادی جنایات ارتكابی بهره‌برند که خود این عامل نیز موجب گرایش کمتر افراد بالقوه مستعد، به سوی ارتکاب جنایات سازمان‌یافته می‌گردد.

بخش جزئی و خرده عواید و منافع حاصل از جنایات ارتكابی، ممکن است در دادوستدهای روزمره و برای رفع ضروریات زندگی صرف شود که مقابله با آن؛ چه از

۱. جمشید ممتاز، تقریرات درس بررسی برخی مسائل حقوق بین‌الملل عمومی، نیمسال دوم تحصیلی ۱۳۷۳-۷۴ دوره کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه تهران.

حیث پیشگیری و چه از نظر شناسایی و مبارزه، امری دشوار با نتایج اندک است. ولی بخش عمده عواید حاصل شده، به خاطر حجم بسیار زیاد این عواید، باید از طریق بانکها و سایر مؤسسات مالی، وارد سیستم اقتصادی شود؛ خواه به منظور نگهداری یا به منظور انتقال به ورای مرزهای کشور مربوط. بنابراین، اگر جنایتکاران سازمان یافته، خطری از جهت امکان شناسایی و کشف جنایات ارتكابی در مؤسسات مالی داشته باشند، گرایش کمتری به تطهیر پول از این طریق (که بهترین و رایجترین شیوه است) خواهند داشت.

همکاری بانکها و مؤسسات مالی در این راستا می تواند مؤثرترین شیوه محسوب گردد و این همکاری، عمدتاً به دو شکل امکان پذیر است:

نخست این که بانکها و مؤسسات مالی، هنگام افتتاح حساب و ارائه خدمات به مشتریان خود، هویت کامل و دقیق آنان را احراز نمایند. با این امر، افراد سابقه دار و فعالیتهای آنها قابل شناسایی خواهد بود و در آینده نیز اگر مسؤولان تعقیب و کشف جرم، نیاز به هویت افراد و فعالیتهای آنان داشته باشند، مشخصات این افراد در اختیار آنان قرار خواهد گرفت.

همکاری دیگری که بانکها و مؤسسات مالی می توانند در این زمینه داشته باشند، جنبه ابتکاری و تا حدی، پلیسی دارد؛ یعنی آنان مراقب رفتارها، مراودات و عملیات مشکوک باشند و اگر به شخصی مظنون شدند، این امر را برای بررسی و رسیدگی، به مراجع ذیصلاح اعلام کنند.

همان طور که در توصیه نامه های «فاتف» به شرح مذکور آمده است، باید تضمینهای کافی برای این نهادها و بانکها و کارکنان آنان ایجاد شود تا در صورت عدم اثبات موارد مورد گزارش، مسؤولیت قانونی برای آنان ایجاد نشود. برای کاهش این مشکل، بهتر است گزارشهای مزبور، محرمانه بماند و مقامات ذیصلاح، فقط به عنوان سرنخی از آن استفاده کنند و در صورت عدم اثبات، این گزارشها به طور کلی مکتوم بماند. بعلاوه، به نظر می رسد افشای این گزارشها می تواند عواقب غیرقانونی انتقام جویانه گروههای جنایتکار را دربرداشته باشد. علاوه بر ضرورت عدم افشای گزارشها، در این زمینه نیز تمهید حمایتیهای قانونی برای کارکنان بانکها و مؤسسات

مالی، ضروری می‌نماید.

به هر حال همکاریهای مزبور بانکها و مؤسسات مالی، با یک قاعده شناخته شده بانکی؛ یعنی قاعده «حفظ اسرار بانکی»^۱ که خود موجب اعتماد و جلب مشتریان می‌گردد، تعارض پیدا می‌کند که در مباحث بعدی به بررسی این موضوع می‌پردازیم. در کنوانسیون، دولتهای متعاقد ملزم به ایجاد نظارت منظم بر فعالیت بانکها و سایر نهادهای مالی که احتمال تطهیر پول از طریق آنها می‌رود، شده‌اند تا جلو تطهیر گرفته شود یا حداقل ارتکاب این عمل مجرمانه، کشف شود. این نهادها ملزم به احراز هویت، نگهداری سوابق و گزارش موارد مشکوک هستند. همچنین تعیین مراجع و مقامهایی برای مبادله اطلاعات و همکاری با سایر دولتها پیش بینی شده است.^۲

در ماده ۵ لایحه پولشویی، به هیأت وزیران اجازه داده شده با تصویب آیین‌نامه اجرایی، دستگاهها و اشخاص را ملزم به ارائه اطلاعات، تعیین هویت و... کند، ولی هیچ‌گونه تمهیداتی درباره همکاری در سطح بین‌المللی پیش‌بینی نشده است.

در ماده ۳ مقررات پیشگیری از پولشویی (مصوب شورای پول و اعتبار) مؤسسات مالی ملزم به احراز هویت مشتریان شده‌اند. به موجب ماده ۱۷ مقررات، مؤسسات بانکی مکلف به گزارش موارد مشکوک شده‌اند که این گزارشها کاملاً مجرمانه خواهد بود.

ج) کشف جرم

درباره کشف جرم و نهایتاً مبارزه با آن، همیشه این نکته باید ملحوظ گردد که برخورد با مجرمان نباید سبب محدود شدن آزادیهای مشروع افراد غیرمجرم گردد و مبارزه با جرایم اقتصادی و مالی نباید موجب تهدید و تحدید فعالیتهای اقتصادی مشروع گردد. جرم، به خاطر اخلال در نظم جامعه، و جرایم اقتصادی، به خاطر اخلال در سیستم اقتصادی جامعه، ضدارزش شناخته شده است و ضرورت برخورد قانونی را

1. Banking Secrecy.

۲. ماده ۷ کنوانسیون.

می‌طلبد. اگر مبارزه با این جرایم، خود موجب اختلال در نظام اقتصادی شود، نقض غرض خواهد شد و چنین مبارزه‌ای همچون خود جرم، برای جامعه، زیانبار خواهد بود. از این رو، در کنوانسیون، ضمن این که دولتها به اجرای اقدامهای ممکن برای کشف و نظارت بر حرکت وجوه نقد و اسناد قابل انتقال مقتضی از مرزهای خود ترغیب شده‌اند، ملزم گشته‌اند که در جریان و انتقال سرمایه‌های مشروع، هیچ‌گونه مانعی ایجاد نکنند.^۱

در خصوص کشف جرم تطهیر پول و تسهیل اثبات آن، تدابیری اندیشیده شده است که به سه دسته قابل تقسیم است:

۱. ایجاد واحد اطلاعات مالی.
۲. ضرورت همکاری بانکها با عدم رعایت قاعده حفظ اسرار بانکی.
۳. تسهیل اثبات تطهیر پول.

۱. ایجاد واحد اطلاعات مالی

دولتهای متعاقد، ملزم شده‌اند ایجاد یک واحد اطلاعاتی مالی را به عنوان یک مرکز ملی برای جمع‌آوری، تحلیل و انتقال اطلاعات مربوط به تطهیر بالقوه پول، بررسی کنند. به هر حال، دولتهای متعاقد تضمین خواهند کرد که مقامات اداری، انتظامی، اجرای قانون و سایر مقامهایی که به مبارزه با تطهیر پول اشتغال دارند (در صورتی که حقوق داخلی اجازه دهد، مقامات قضایی نیز) توانایی و اختیار همکاری و تبادل اطلاعات در سطوح ملی و بین‌المللی را در چارچوب حقوق ملی خود داشته باشند.^۲

تبادل اطلاعات توسط دولتها در خصوص اوصاف اموال و مرتکبان، از مؤثرترین ابزارها برای کشف جرم و نهایتاً مبارزه با تطهیر پول محسوب می‌شود. بدون تبادل اطلاعات، تشخیص منشأ مشروع یا نامشروع اموال و ثروتهای وارد شده به سرزمین یک دولت، امری بس دشوار و بعضاً ناممکن است.



۲. بند ۱(b) ماده ۷.

۱. بند ۲ ماده ۷.

۲. ضرورت همکاری بانکها با عدم رعایت قاعدهٔ حفظ اسرار بانکی

با توجه به این که جنایتکاران سازمان‌یافته، برای نگهداری، تطهیر و نقل و انتقال عواید حاصل از ارتکاب جنایات سازمان‌یافته، از بانکها و دیگر مؤسسات و نهادهای مالی استفاده می‌کنند، همکاری این بانکها و مؤسسات در شناسایی مشتریان خود و اعلام موارد مشکوک یا تبادل مبالغی متجاوز از سقفی معین و نهایتاً بیان مشخصات افراد صاحب حساب به مراجع ذیصلاح، می‌تواند کمک شایانی در کشف جرم و جلوگیری از تطهیر منافع نامشروع داشته باشد. از سوی دیگر، بانکها طبق مقررات داخلی خود و برای جذب مشتری هرچه بیشتر و جلب رضایت آنان، مقرراتی دارند که افشای اسرار بانکی را منع می‌کند. لذا چالشی بین این دو مصلحت (کشف جرم و مبارزه با آن و حفظ اسرار بانکی) وجود داشته و دارد.

شورای اروپا اولین سازمان بین‌المللی بود که در سال ۱۹۸۰ در توصیه‌نامهٔ کمیتهٔ وزرا، ضمن اخطار به جامعهٔ بین‌المللی در خصوص خطرات ناشی از تطهیر پول، نسبت به دموکراسی و حاکمیت قانون، اعلام کردند:

سیستم بانکی می‌تواند نقش پیشگیرانهٔ کاملاً مؤثری ایفا کند، همان‌طور که همکاری بانکها می‌تواند به پلیس و مقامات قضایی در مبارزه با اعمال مجرمانه کمک کند. همچنین ضرورت دارد که بانکها از هویت کامل افرادی که با آنها همکاری دارند، آگاهی یابند.^۱

سرانجام در کنوانسیون پالرمو نیز ضرورت مبارزه با جنایات سازمان‌یافته و خصوصاً تطهیر پول، بر قاعدهٔ حفظ اسرار بانکی فائق آمد. در طی مذاکرات تأکید شد که اقدامهای قانون‌گذاری و اداری مقتضی باید اتخاذ شود که حفظ اسرار مالی را به منظور توسعهٔ کنترل مؤثر تطهیر پول و همکاری بین‌المللی، محدود کند. در این زمینه

1. Hans G. Nilsson, *Money Laundering and Banking Secrecy*, International Academy of Comparative Law, XIVth International Congress of Comparative Law, Paolo Bernasconi (ed.) Kluwer Law International, 1996, p.ix.

پیشنهاد شد که در کنوانسیون، طی مقرره‌ای درباره تحقیق از سازمانهای جنایی، حفظ اسرار بانکی لغو شود.^۱ سرانجام، این قاعده با تغییراتی در بند ۶ ماده ۱۲ انعکاس یافت و دولت‌ها را ملزم نمود به دادگاهها یا سایر مراجع ذیصلاح اختیار دهند که بتوانند دستور بازرسی یا تسلیم دفاتر بانکی، مالی یا بازرگانی را صادر کنند و دولت‌های عضو نباید به بهانه حفظ اسرار بانکی، از این وظیفه امتناع کنند.

در لایحه مبارزه با جرم پولشویی، اختیار الزام دستگاهها، نهادها و اشخاص به ارائه اطلاعات و اسناد و مدارک، تعیین هویت و گزارش موارد مشکوک، به هیأت وزیران تفویض شده است. حتی هیأت وزیران می‌تواند به اشخاص حقوقی ذیربط، اختیار قطع خدمات را در موارد مشکوک بدهد. به هر حال، اشخاص ذینفع که قطع خدمات را خلاف قانون بدانند، می‌توانند به مرجع قضایی صالح شکایت کنند.^۲

۳. تسهیل اثبات تطهیر پول

با توجه به روش و مراحل پیچیده‌ای که تطهیرکنندگان پول طی می‌کنند، چنانچه صرفاً در صدد اثبات «فعل» مجرمانه‌ای باشیم که به خوبی منشأ غیرقانونی منافع، مشخص و روشن شود، در بیشتر موارد به بن بست می‌رسیم؛ مثلاً اگر شخص مظنونی با درآمد قانونی ۱۰۰/۰۰۰ تومان، در مدت کوتاهی صاحب ثروتهای میلیاردی شود، در سیستم حقوقی و شیوه دادرسی سنتی، بدون اثبات منشأ غیرقانونی منافع، نمی‌توان اقدامی کرد. از این رو، تدوین‌کنندگان کنوانسیون سعی کرده‌اند در این موارد، بار اثبات را به دوش مظنون بگذارند؛ یعنی به دولت‌های عضو پیشنهاد شده است که اگر با اصول حقوق داخلی خویش منطبق بدانند، شخص را ملزم به نشان دادن منشأ قانونی درآمدهای خود کنند.^۳

برخی چنین مقرره‌ای را «تقدّم اماره مجرمیت بر اصل برائت» نام نهاده، گفته‌اند:

1. UN. DOC. E/CN. 15/1998/5, P.9.

۲. ماده ۵

۳. بند ۷ ماده ۱۲ کنوانسیون.

از جمله مواردی که در دادرسی پیرامون جرایم سازمان‌یافته مورد تأکید کنوانسیون پالمو قرار گرفته است، تقدّم اماره مجرمیت بر اصل برائت در اموری است که شخص، متهم به تطهیر پول یا تحصیل درآمدهای ناشی از ارتکاب جرم است. کنوانسیون فوق در بند مربوط به مصادره و توقیف درآمدهای جرم، برای دولتهای عضو مقرر داشته است که درآمدهای جرم یا اموال معادل آنها و درآمدهای ناشی از این درآمدها را مصادره نمایند و علاوه بر آن، در ارتباط با اموال مشکوک نیز از مجرم درباره اصلت و مشروعیت درآمدهای مورد اتهام و دیگر اموال مشکوک و در معرض مصادره، توضیح بخواهند، که در صورت عدم کفایت توضیح متهم و عدم اثبات مشروعیت درآمدها، این اموال قابل ضبط و مصادره است.^۱

برخی نیز اظهار داشته‌اند که قانون‌گذار در جرم پولشویی، عنصر مادی جرم را مفروض می‌داند.^۲

به نظر ما نام‌گذاری چنین تمهیدی به عنوان «اماره مجرمیت» و قرار دادن آن در قبال «اصل برائت»، صحیح نیست؛ زیرا اصل برائت از بدیهی‌ترین اصول و قواعد شناخته شده حقوق بشری است که در اسناد مهم بین‌المللی تبلور یافته^۳ و می‌توان ادعا کرد از قواعد آمره بین‌المللی محسوب می‌گردد. مفهوم و کاربرد اصل برائت یا فرض بیگناهی در حقوق کیفری، این است که اگر در جرم بودن عمل ارتكابی شخص یا ارتكاب عمل مجرمانه توسط متهم تردید داشته باشیم، اصل برائت جاری می‌شود. به عبارت دیگر:

۱. محمدابراهیم شمس ناتری، سیاست کیفری ایران در قبال جرایم سازمان‌یافته با رویکرد به حقوق جزای بین‌الملل، رساله دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، زمستان ۱۳۸۰، ص ۳۳۴.
۲. حمیرا قنبری، اصل برائت و اماره مجرمیت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تیرماه ۱۳۸۱، ص ۲۳۹.
۳. خصوصاً می‌توان به اسناد زیر اشاره کرد: بند ۲ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، بند ۳ ماده ۲۱ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای جنایات ارتكابی در یوگسلاوی سابق، بند ۳ ماده ۲۰ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (۱۹۹۸)، بند ۱ ماده ۱۱ طرح کد جنایات علیه صلح و امنیت بشری، ماده اساسنامه دیوان کیفری.

همه افراد در پناه این اصل، از هرگونه تعرض و ادعا مصون هستند. هیچ کس نسبت به آنها حقی ندارد و مرتکب هیچ عمل خلاف قانون نشده‌اند، مگر این که دلیلی خلاف این اصل وجود داشته باشد.^۱

لذا اگر مقنن، عمل خاصی مثل دارا شدن بی جهت را جرم بدانند، به معنای نفی اصل براءت نیست. همان‌طور که رکن مادی جرایم می‌تواند فعل یا ترک فعل و... باشد، می‌تواند نتیجه مجرمانه‌ای با شرایط خاص باشد. به عبارت دیگر، همان‌طور که قانون‌گذار در شرایطی، انجام فعل (مثل سرقت) یا ترک فعل (مثل ترک انفاق) یا داشتن و نگهداری سلاح گرم و... را مخل نظم جامعه دانسته و آنها را دارای وصف جزایی می‌داند، می‌تواند دارا شدن بدون منشأ قانونی را هم رکن مادی جرمی تلقی کند و قابل مجازات بداند و این امر، به معنای کنار گذاشتن اصل براءت یا مفروض تلقی کردن رکن مادی جرم نیست، بلکه خود دارا شدن بدون منشأ قانونی، رکن مادی جرم است. فقط عنوان جزایی جدیدی به جرگه جرایم افزوده می‌شود که امری کاملاً متعارف است.

به عبارت دیگر، اگر قانون‌گذار عنوان جزایی جدیدی به جرایم بیفزاید و بار دلیل را در موردی به دوش متهم بگذارد، این امر به معنای نفی اصل براءت نیست. بدیهی است اگر این قاعده را در قبال اصل براءت و نافی آن بدانیم، در حقوق داخلی ایران، به خاطر تعارض با اصل ۳۷ قانون اساسی، نمی‌توانیم چنین قاعده‌ای را بپذیریم. شاید تدوین‌کنندگان لایحه نیز چنین تصویری از این قاعده داشته‌اند که مطلقاً توجهی به آن نکرده‌اند!



(د) ضمانت اجرا

به خاطر اهمیتی که مصادره اموال در جرم پولشویی (تطهیر پول) دارد، ضمن تفکیک آن از سایر مجازاتها، جداگانه به بررسی آن می‌پردازیم.

۱. سیدجلال‌الدین مدنی، آیین دادرسی کیفری، انتشارات پایدار، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۳۰۳.

۱. مجازات

به عنوان یک قاعده کلی، در کنوانسیون پالمو میزان مجازات جرایم ارتكابی پیش بینی نشده است و تعیین نوع و میزان مجازاتها به دولتها واگذار گردیده است. اصل «تناسب میان جرایم و مجازاتها» که از دیرباز مورد توجه متفکران بوده، از نظر تدوین کنندگان کنوانسیون نیز دور نمانده است. «بکاریا» در این زمینه معتقد است:

جرم... هر قدر زیان بیشتری به جامعه وارد آورد، [باید] به ندرت اتفاق افتد. بنابراین، موانعی که مردمان را از ارتكاب جرم باز می‌دارد، باید به همان اندازه که این جرایم، مغایر با منفعت عموم است و شدیدتر به آن آسیب می‌رساند، قوی باشد. از این رو، باید میان جرایم و مجازاتها تناسبی برقرار باشد.^۱

در این زمینه، دولتها ملزم گردیده‌اند که در اعمال مجازاتها و ضمانت اجراهای مربوط در خصوص جرایم مشمول این کنوانسیون، شدت این جرایم را در نظر بگیرند.^۲ البته در نظر گرفتن شدت جرایم مشمول کنوانسیون، الزاماً به مفهوم اعمال مجازاتهای شدید و خشن نیست، بلکه همان‌طور که در کنوانسیون نیز بلافاصله اشاره شده، هدف این است که این مجازاتها تا بیشترین حد ممکن، مؤثر بودن اقدامات اجرای قانون را تضمین کنند.^۳

همچنین دولتها ملزم گردیده‌اند در صورت اعمال و اعطای تسهیلاتی همچون آزادی مشروط، شدت این جرایم را در نظر بگیرند.^۴ با توجه به این که آزادی مشروط، از موارد بارز فردی کردن مجازاتهاست و با توجه به رفتار و سازگاری مرتکب، اعطا می‌شود، به هر حال، تدوین کنندگان کنوانسیون نخواستند مرتکبان جنایات سازمان یافته را به طور کلی از آن محروم کنند؛ زیرا امروزه هدف اصلاحی مجازاتها و بازگرداندن مجرمان به جامعه، در اولویت است. با این حال، کنوانسیون تأکید کرده

۱. سزار بکاریا، رساله جرایم و مجازاتها، ترجمه دکتر محمدعلی اردبیلی، نشر میزان، چاپ چهارم،

تابستان ۱۳۸۰، ص ۹۲.

۲. بند ۱ ماده ۱۱.

۳. بند ۲ ماده ۱۱.

۴. بند ۴ ماده ۱۱.

است که در اعطای امتیازاتی همچون آزادی مشروط، دقت بیشتری مبذول گردد. پولشویی هم استثنایی بر قاعده کلی نیست و در این زمینه نیز هر دولت متعاهدی حسب قوانین داخلی، با در نظر گرفتن شدت این جنایت، مجازات مقتضی تعیین خواهد کرد. در لایحه پولشویی، مجازاتهای پیش‌بینی شده برای مرتکبان، از همه جهات، واجد ایرادات اساسی است که به اختصار به این نقایص اشاره می‌کنیم:

۱. مجازات مباشر یا شریک جرم پولشویی، یک چهارم ارزش دارایی با منشأ غیرقانونی تعیین گردیده است.^۱ این مجازات، بسیار نامتناسب و غیر مؤثر به نظر می‌رسد. می‌دانیم که شمار جرایم واقعی، هرگز با مواردی که کشف و اثبات می‌شود، برابر نیست؛ چون جرایم واقعی، چندین برابر جرایم کشف و اثبات شده است. این تفاوت در جرم تطهیر پول که متضرر و شاکی مستقیم ندارد، دوچندان می‌شود؛ یعنی ممکن است درصد کمی از جرایم پولشویی کشف و تعقیب شود، که حتی در این صورت نیز موارد زیادی نیز به خاطر عدم تکافوی ادله، به نتیجه نمی‌رسد. اگر درباره درصد کمی که کشف، تعقیب و اثبات می‌شود، چنین برخورد ضعیفی صورت گیرد، مجرمان احتمالی، هرگز از چنین مجازاتی مرعوب نمی‌شوند و محکومان نیز اصلاح و تنبیه نمی‌گردند.

در مقایسه با جرایم مشابه نیز این مجازات، بسیار ناچیز می‌نماید؛ از طرفی در تمام جرایم مالی مهم (از قبیل کلاهبرداری، سرقت، خیانت در امانت، اختلاس، ارتشاء و...) کیفر حبس پیش‌بینی شده است؛ از سوی دیگر در قانون مبارزه با مواد مخدر، در کنار مجازاتهای شدید اعدام یا حبسهای طولانی، مصادره تمام اموال مجرمان (بجز هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده مجرم) پیش‌بینی شده است.^۲ لذا در نظام

۱. ماده ۳ لایحه.

۲. در قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام در موارد مختلفی به عنوان یکی از مجازاتها، مصادره تمام اموال مرتکب، به استثنای هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده آنها پیش‌بینی شده است که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: بند ۴ ماده ۴، تبصره ماده ۴، بندهای ۴، ۵ و ۶ ماده ۵. به هر حال، مصادره تمام اموال شخص، هم غیر عادلانه به نظر می‌رسد و هم با اهداف مجازات‌سازگاری ندارد.

حقوقی ایران، صرف مجازات یک چهارم دارایی نامشروع به عنوان جزای نقدی، کاملاً نامتناسب است و هیچ سنخیتی با مجازات جرایم مشابه ندارد. حتی در سطح بین‌المللی نیز تدوین‌کنندگان کنوانسیون اعتقاد داشتند که دولتهای متعاقد قطعاً مجازات حبس برای این جرم تعیین خواهند کرد. بر همین اساس، توصیه کرده‌اند که این دولتها در اعطای آزادی مشروط، دقت بیشتری مبذول دارند.

۲. تدوین‌کنندگان لایحه، ضمن این که در تلاشی ارزنده، برای اشخاص حقوقی نیز مسؤولیت کیفری قائل شده‌اند، لیکن آن را فقط به مسؤولیت تضامنی در قبال داراییها و جزای نقدی متعلقه محدود کرده‌اند.^۱ در حالی که امروزه مسؤولیت کیفری مستقل برای اشخاص حقوقی، به رسمیت شناخته شده و مسؤولیت کیفری شخص حقوقی، نافی مسؤولیت کیفری اشخاص حقیقی تشکیل دهنده آن تلقی نمی‌گردد.^۲ این در حالی است که در همین لایحه، مطابق اصول حقوق کیفری، برای شرکای جرم، مسؤولیت کیفری مستقل (نه تضامنی) پیش‌بینی شده است.^۳ اساساً مسؤولیت «تضامنی» منحصر به امور مدنی و حقوقی است که هدف، جبران خسارت وارده و ادای دین به میزان مشخص است. در حقوق کیفری، مقصود نهایی، تنبیه و اصلاح مجرم است، نه این که مبلغ مشخصی به صندوق دولت واریز شود.

۳. تدوین‌کنندگان لایحه، به وصف گروهی و «سازمان‌یافته» بودن تطهیر پول توجه نداشته‌اند؛ بر همین اساس، همچون جرایم عادی، برای معاون جرم، مجازات علیحده و خفیفتر قائل شده‌اند. در جنایات سازمان‌یافته، تمام اعضا، پیکره واحدی را به وجود می‌آورند که با نظم و سلسله مراتب خاص و تحت مدیریت واحد، مرتکب جرم می‌شوند. با توجه به این که هریک از اعضا، سهم و نقش مشخصی در ارتکاب جرم دارند، لذا همه آنها به عنوان شرکای جرم، مسؤولیت کیفری پیدا می‌کنند. گاهی اوقات کسانی که ماهیتاً عمل معاونت انجام می‌دهند؛ مثل طراحی، مدیریت، تسهیل، ارائه طریق و... نقشی مهمتر از مرتکبان رکن مادی دارند. این مهم، مورد بی‌توجهی

۲. ر.ک: صادق سلیمی، پیشین، ص ۲۰۳-۲۰۷.

۱. تبصره ۳ ماده ۳.

۳. صدر ماده ۳.

تدوین‌کنندگان واقع شده است.

۴. ماده ۶ لایحه پولشویی اشعار می‌دارد:

متخلفان از مقررات آیین‌نامه اجرایی ماده (۵)، در صورتی که عنوان مباشر یا شریک یا معاون جرم پولشویی در مورد آنها صدق نکند، حسب مورد، توسط دادگاه صلاحیت‌دار یا هیأت‌های تخلفات اداری، به مجازات‌های زیر محکوم می‌شوند:

الف) مستخدمان و مأموران دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۶) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲.

ب) سایر اشخاص، به شش ماه تا پنج سال محرومیت از هرگونه عضویت یا اشتغال به سمت مربوط برای هربار تخلف.

در ماده ۵۷۶ مورد اشاره، «یک تا پنج سال» انفصال از خدمات دولتی پیش‌بینی شده است. در ماده ۶ برای سایر اشخاص (غیر از مستخدمان دولتی و نهادهای عمومی) «شش ماه تا پنج سال» محرومیت از هرگونه عضویت یا اشتغال به سمت مربوط پیش‌بینی شده است. تنها تفاوت این دو مجازات، میزان حداقل مجازات پیش‌بینی شده است. اولاً، علت این تفاوت و تبعیض در مجازات، معلوم نیست و ثانیاً، چون در اعمال مجازات، می‌توان با احراز کیفیات مخفّفه (ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی) مجازاتی کمتر از حداقل مقرر اعمال نمود، لذا این تفاوت، اثر عملی چندانی ندارد.

به نظر می‌رسد تدوین‌کنندگان با تقسیم مجازات‌ها به «الف» و «ب»، صرفاً موجبات اطاله کلام و پیچیدگی را فراهم نموده‌اند. بهتر بود به طور کلی بیان می‌شد: مرتکبان، به شش ماه تا پنج سال انفصال از شغل یا سمت مربوط محکوم خواهند شد. یا مقرر می‌شد: مرتکبان، به مجازات مقرر در ماده ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد.

مصادره اموال تطهیرشده یا در شرف تطهیر، اهمیت شایانی دارد و لذا مقررات ویژه‌ای در این خصوص در کنوانسیون پیش‌بینی شده است.

۲. مصادره

ضبط و مصادره اموال ناشی از جرم که مالک مشخصی نداشته باشد و همچنین ضبط اموال مورد استفاده در ارتکاب جرم، به عنوان یکی از ضمانت‌اجراهای مؤثر تلقی می‌شود؛ چون ضمن مجازات جنایتکاران، منبع مالی خوبی تدارک می‌شود که می‌تواند صرف مبارزه با جنایات شود.

امروزه تحولی در سیاست جنایی در سطح بین‌المللی روی داده است که در تدابیر مبارزه با جنایت سازمان‌یافته، دایره شمول مصادره گسترش یافته و شامل ضبط اموال سازمانهای جنایی نیز می‌شود. بدیهی است این ابتکار جدید که مفهوم سنتی مصادره را دگرگون نموده و آن را گسترش داده، مصون از ایرادات و انتقادات حقوق‌دانانی که طرفدار مفهوم سنتی و کلاسیک مصادره هستند، نمانده است؛ چون مفهوم کلاسیک مصادره، مبتنی بر افکار آزادیخواهانه است.^۱

برخی از نویسندگان نسبت به مصادره توسعه‌یافته، انتقاد کرده‌اند؛ به ویژه از نظر مغایرت چنین مصادره‌ای با اصل برائت که به نفع متهم است و نیز مغایرت با اصل مصونیت حقوق اموال. با این وجود، چنین ایراداتی اقتضائات سیاست جنایی جدید را که حقوق کیفری جدید به آن نیاز دارد، به مخاطره می‌اندازد.^۲

اشکال جدید مصادره باید به عنوان یک تدبیر پیشگیرانه عمومی تلقی شود، نه به عنوان یک تدبیر پیشگیرانه شخصی یا مجازات شخصی در مفهوم سنتی آن. به عبارت دیگر، هرچند این اقدامها به اموال شخص منفردی مربوط می‌شود، لیکن هدف اولیه قانون‌گذاری، مجازات شخص مرتکب به خاطر تحصیل اموال مورد بحث نیست؛ هدف واقعی، ماهیتاً یک هدف سیستماتیک است و مقصود، مورد هدف قرار دادن پایگاه اقتصادی جنایت سازمان‌یافته است؛ چون اهداف سیاست جنایی، محدود

1. Giovanni Fiandaca/ Costantino Visconti, *Theoretical and Criminal Policy Foundations for a Model 'extended' Confiscation in the Ambit of Organised Crime*, Towards a European Criminal Law Against Organised Crime, Vincenzo Militello (ed.) Freiburg 2001, p.73.

2. Ibid, p.81-82.

کردن توسعه بیشتر چنین آسیب اجتماعی جدید و همچنین پیشگیری از آلودگی اقتصاد مشروع در نتیجه تطهیر پولهای کثیف است.^۱

با توجه به بُعد فراملی جنایات ارتكابی، در خصوص مصادره اموال مربوط، نیاز به همکاری بین‌المللی است و بالاخره باید مشخص شود که اموال مصادره شده باید صرف چه اموری شود. لذا مطالب این مبحث را به شرح زیر بیان می‌کنیم:

۱. اموال قابل مصادره:

تردیدی نیست، اموالی که مستقیماً از ارتكاب جرم ناشی شده است، نباید به مجرم تعلق گیرد؛ چون وی هیچ‌گونه سبب قانونی برای تملک ندارد. اگر مالک قانونی اموال موضوع جرم، مشخص باشد، بدون تردید، اموال باید به نامبرده مسترد گردد، لیکن با توجه به این که بیشتر جنایات سازمان‌یافته، بزه‌دیده مشخصی ندارد که مالک قانونی اموال و عواید ناشی از جرم تلقی شود، ضبط و مصادره اموال و منافع ناشی از جرم در خصوص این جنایات، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند.

کنوانسیون پالمو منافع ناشی از جرایم مشمول این کنوانسیون یا اموالی که ارزش آنها با ارزش چنین منافع برابری می‌کند و اموال، تجهیزات یا سایر وسایل مورد استفاده در جرایم مشمول این کنوانسیون را قابل مصادره اعلام نموده است.^۲

پس علاوه بر منافع ناشی از جرم، وسایلی که هرچند ناشی از جرم نیست، ولی به منظور ارتكاب جرم به کار می‌رود نیز قابل مصادره است. لیکن برخلاف حقوق داخلی ایران، سایر اموال مرتکبان که ارتباطی به ارتكاب جرم ندارد، قابل مصادره نیست. بنابراین، اگر وسیله نقلیه‌ای به ارتكاب قاچاق اختصاص یافته باشد، قابل مصادره است، ولی منزل یا سایر املاک مرتکب که ارتباطی به ارتكاب جرم نداشته و به طریق مشروع تحصیل شده و به منظور ارتكاب جرم به کار نمی‌رود، قابل مصادره نمی‌باشد. اموال تبدیل یا «تطهیر» شده یا در مرحله تطهیر نیز قابل مصادره است.



1. Ibid, p.81.

۲. بند ۱ ماده ۱۲.

مصادرهٔ اموال ناشی از جرمی که به اموال دیگری تبدیل شده است، یا «معادل اموال ناشی از جرم»، تمهید مؤثری است که مزایای خاص خود را دارد. اولاً، اختفا، جایگزینی یا از بین بردن عین اموال ناشی از جرم، خللی به عملیات مصادره وارد نمی‌کند و ثانیاً، تصاحب اموال قانونی را ممکن می‌کند؛ یعنی مسئولیت ادای معادل اموال ناشی از جرم، به عهدهٔ مجرم است؛ ولو این که وی اموال غیرقانونی اصلی را از دست داده باشد.^۱

در تفسیر و اجرای این ماده، دولتهای متعاقد باید این اصل اساسی را در حقوق بین‌المللی در نظر بگیرند که اموال متعلق به یک دولت خارجی که به مقاصد غیرتجاری به کار می‌رود، قابل مصادره نیست، مگر با رضایت خود دولت صاحب اموال. بعلاوه، هدف کنوانسیون، محدود کردن قواعد مربوط به مصونیت دیپلماتیک یا مصونیت دولتی و مصونیت سازمانهای دولتی نیست.^۲

دولتهای متعاقد، برای شناسایی منافع ناشی از جرم و اموال و آلات مورد استفاده در ارتکاب جنایات سازمان‌یافته، باید برای شناسایی، ردیابی و تعیین هویت دقیق آنها راهکارهایی بیندیشند.

۲. همکاری بین‌المللی در مصادره:

به خاطر انتقال منافع ناشی از ارتکاب جنایات سازمان‌یافته به سرزمین دولتهای دیگر و در نظر گرفتن این واقعیت که متضرر اصلی، دولتی است که جرم در سرزمین آن ارتکاب یافته است، اگر در زمینهٔ مصادرهٔ اموال، دولتها به صورت هماهنگ رفتار نکنند، عملاً مجرمان می‌توانند از خلأ موجود استفاده و منافع ناشی از جرم را به کشورهای دیگر انتقال دهند. تدوین‌کنندگان کنوانسیون، به درستی به این مهم توجه کرده و مقرراتی در این زمینه تدوین نموده‌اند.

1. MICHAEL KILCHLING, *substantive Aspects of the U.N. Convention Against Transnational Organized Crime: A Step Towards an "Organized Crime Code"?* The Containment of Transnational Organized Crime, Hans-jorg Albrecht and Cyrille Fijnaut (eds.) Freiburg i. Br. 2002, p.92.

2. UN.Doc.A/55/383/Add.1, op cit, p.5.

هر یک از دولتهای متعاقد کنوانسیون که در جرایم ارتكابی مشمول این کنوانسیون، حق اعمال صلاحیت کیفری دارد، می‌تواند از دولتی که منافع جرم، اموال، تجهیزات یا دیگر وسایل ارتكاب جرم در سرزمین آن استقرار یافته، درخواست مصادره این اموال را بکند. دولتی که چنین درخواستی را دریافت می‌کند، در چارچوب حقوق داخلی خود، تا بیشترین حد ممکن تلاش خواهد کرد یا آن را به مقامات ذیصلاح خویش به منظور صدور دستور مصادره ارجاع دهد یا در صورتی که چنین دستوری صادر شده باشد، آن را به منظور اجرا ارائه دهد و یا آن دستور مصادره را از دادگاه کشور متقاضی، به منظور ترتیب اثر دادن به درخواست، به مقامات ذیصلاح خویش برای مصادره منافع و اموال ناشی از جرم یا وسایل مورد استفاده در ارتكاب جرم، تسلیم کند.^۱ بنابراین، دولت طرف درخواست، با در نظر گرفتن مقررات و قوانین ملی خود، یا به استناد حکم مصادره صادر شده از محاکم خارجی عمل می‌کند و یا برای صدور حکم مقتضی، موضوع را به مراجع ذیصلاح خویش ارجاع می‌دهد.

درخواست مصادره باید حائز شرایطی باشد. مندرجات ماده ۱۸ کنوانسیون (در خصوص معاضدت حقوقی دوجانبه) با اعمال تغییرات لازم در خصوص درخواست مصادره نیز لازم‌الاجراست.^۲ بنابراین، درخواست مصادره باید مکتوب یا در صورت امکان، به شکلی قابل ارائه به صورت مکتوب باشد. فقط در شرایط اضطراری ممکن است درخواست شفاهاً صورت بگیرد که بعداً باید به طور کتبی تأیید گردد. درخواست باید به زبانی که مورد قبول دولت طرف درخواست باشد، انجام گیرد. برای سهولت آگاهی از زبان مورد قبول هر دولتی، دولتهای متعاقد، هنگام تسلیم سند تصویب یا الحاق به کنوانسیون، زبان یا زبانهای مورد قبول خود را اعلام خواهند کرد.^۳

۱. بند ۱ ماده ۱۳ کنوانسیون.

۲. صدر بند ۳ ماده

۳. بند ۱۴ ماده ۱۸.

روشن است که تصمیم‌گیری در خصوص درخواست، توسط دولت دریافت‌کننده درخواست و بر اساس قوانین و مقررات داخلی این دولت و معاهدات الزام‌آور خواهد بود. هر دولتی برای استحضار دیگران از قوانین خود، تصویر مقررات مربوط خویش را به دبیرکل ملل متحد تسلیم خواهد کرد.^۱

در بیشتر موارد، منافع حاصل از جنایات ارتكابی، به شکل دیگری تبدیل می‌شود تا از شناسایی و کشف جنایات ارتكابی جلوگیری شود (تطهیر). اگر منافع حاصل از ارتكاب جنایت به طور کلی یا جزئی به اموال دیگری تبدیل شده باشد، این اموال جایگزین، قابل مصادره خواهد بود.^۲

در مواردی ممکن است منافع ناشی از جنایت، به همراه اموال مشروع، به مال دیگری تبدیل شده باشد. برای نمونه، ملکی به ارزش پانصد میلیون تومان خریداری شود که سیصد میلیون تومان آن از منافع ناشی از ارتكاب جنایت به دست آمده باشد و دوپست میلیون تومان از اموال و دارایی مشروع خود شخص تأمین شده باشد تا جلوگیری از کشف جرم و نهایتاً مصادره گرفته شود. تدوین کنندگان کنوانسیون، در این زمینه پیش‌بینی کرده‌اند که در صورت امتزاج منافع ناشی از جرم با اموال ناشی از منافع مشروع، این اموال تا اندازه‌ای که منافع ناشی از جرم ارزیابی می‌شود، قابل مصادره خواهد بود؛^۳ یعنی در مثال گفته شده، ۶۰ درصد مال مزبور قابل مصادره خواهد بود؛ زیرا سیصد میلیون تومان (۶۰ درصد) از ثمن یا ارزش مال، از منافع ناشی از جرم تأمین شده بود.

در لایحه مبارزه با جرم پولشویی، صرفاً به بیان «ضبط دارایی با منشأ غیرقانونی (در صورت نبود اصل، به بهای آن)» اکتفا شده است.^۴ در این لایحه، تکلیف اموال تبدیل یا ادغام شده، صریحاً معلوم نشده است. از سوی دیگر، چون به خصیصه «فراملی» این جنایت توجه نشده است، هیچ‌گونه همکاری بین‌المللی در خصوص مصادره پیش‌بینی نشده است.

۱. بندهای ۴ و ۵ ماده ۱۳.
 ۲. بند ۳ ماده ۱۲.
 ۳. بند ۴ ماده ۱۲.
 ۴. ماده ۳ لایحه.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

باندها و گروه‌های جنایتکار که به منظور تحصیل نفع مادی، مرتکب جرم می‌شوند، برای از بین بردن منشأ غیرقانونی دارایی خود، به تطهیر پول متوسل می‌شوند. بیشتر کشورها در صدد مبارزه با این عمل مجرمانه‌اند و در سطح بین‌المللی نیز کنوانسیون پالرمو که به امضای ۱۴۷ دولت و تصویب ۲۸ دولت رسیده است، تمهیداتی کارشناسانه در مبارزه با این عنوان مجرمانه اندیشیده است. در ایران لایحه مبارزه با جرم پولشویی تقدیم مجلس شده است که قدمی مثبت در مبارزه با تطهیر پول یا پولشویی است. با این حال، ایرادات و نقایص اساسی در این لایحه وجود دارد که مهمترین آنها عبارت است از: ۱. مجازاتهای مقرر به هیچ وجه متناسب با خطرات ناشی از این جنایت نیست؛ ۲. به وصف «فراملی» این جرم هیچ توجهی نشده و لذا هیچ‌گونه همکاری و هماهنگی با سایر کشورها و مراجع بین‌المللی پیش‌بینی نشده است؛ ۳. به وصف «سازمان‌یافته» بودن این جرم نیز توجه نشده و لذا سعی شده با اصول سنتی با این پدیده مجرمانه نوین برخورد شود؛ ۴. در خصوص سهولت اثبات جرم، تمهیدات مقتضی اندیشیده نشده است؛ ۵. از نظر شیوه نگارش قانون نیز نارساییهایی وجود دارد.

امیدواریم نخست، ایرادهای مزبور مرتفع شود و سپس لایحه پولشویی به تصویب رسد. ضمناً مصوبه شورای پول و اعتبار، تدابیر پیشگیرانه مفیدی را همگام با تحولات بین‌المللی پیش‌بینی کرده است، لیکن امیدواریم این اقدام، موجب تعدد و تعارض مقررات حاکم به خاطر تعدد مراجع مختلف نگردد.

ضمیمه

بسمه تعالی

شماره: ۲۷۱۴۹/۳۲۱۵۶

تاریخ: ۱۳۸۱/۷/۶

حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای کروی
ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

لایحه مبارزه با جرم پولشویی که بنا به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۶/۲۷ هیأت وزیران با قید یک فوریت به تصویب رسیده است، جهت طی تشریفات قانونی به پیوست تقدیم می‌گردد.

سیدمحمد خاتمی
رئیس جمهور

- با عنایت به لزوم جلوگیری از تبدیل یا تغییر یا نقل و انتقال یا پذیرش یا تملک داراییهای با منشأ غیر قانونی.
- نظر به آثار منفی فرآیند پولشویی بر اقتصاد ملی از جمله تأثیر بر سیاستهای توسعه، ایجاد ناپایداری در وضعیت اقتصادی و خروج سرمایه.
- با توجه به ضرورت نظارت مؤثر و کارا تر برگردش پول و کالا، ارتقاء سطح شفافیت و انضباط مالی در اقتصاد کشور، و
- به منظور اتخاذ فرآیندی منسجم در مبارزه با جرم پولشویی و برای رفع مشکلات، نیازها و خلأ قانونی مربوط و در راستای حمایت از هرگونه فعالیت اقتصادی سالم، لایحه زیر جهت طی تشریفات قانونی تقدیم می‌شود:

لایحه مبارزه با جرم پولشویی

ماده ۱- جرم پولشویی عبارت است از هرگونه تبدیل یا تغییر یا نقل و انتقال یا پذیرش یا تملک دارایی با منشأ غیر قانونی، به طور عمدی و با علم به آن برای قانونی جلوه دادن دارایی یاد شده.

تبصره - دارایی با منشأ غیر قانونی: وجوه یا اموال یا منافع است که از طریق فعالیت‌های مجرمانه از قبیل ارتشاء، اختلاس، تبانی در معاملات دولتی، کلاهبرداری، فرار مالیاتی، قاچاق کالا و ارز، فحشاء، قمار، قاچاق مواد مخدر، ربا و سرقت کسب شده باشد.

ماده ۲- در مورد جرایم منشأ داراییهای یاد شده، مرتکب به مجازات مقرر در قوانین مربوط محکوم خواهد گردید.

ماده ۳- اشخاصی که مرتکب جرم پولشویی می‌شوند (اعم از مباشر یا شریک)، علاوه بر ضبط دارایی با منشأ غیر قانونی (در صورت نبود اصل، به بهای آن) و منافع حاصل از آن، به جزای نقدی معادل یک چهارم ارزش دارایی مذکور محکوم می‌شوند.

تبصره ۱- اعمال مجازات ضبط، منوط به عدم پیش‌بینی آن در قوانین مربوط به جرایم منشأ داراییهای یاد شده می‌باشد.

تبصره ۲- چنانچه رد دارایی ضبط شده به صاحب حق در قوانین مربوط مقرر باشد، وفق آن اقدام می‌گردد.

تبصره ۳- هرگاه کارکنان شخص حقوقی مرتکب جرم پولشویی شوند و شخص حقوقی از منافع حاصل از جرم مذکور منتفع شده باشد، این شخص متضامناً با کارکنان مجرم، نسبت به داراییها و جزای نقدی متعلقه مسؤولیت دارد.

تبصره ۴- کیفر معاون جرم، جزای نقدی معادل یک دهم تا یک پنجم ارزش دارایی با منشأ غیر قانونی می‌باشد.

تبصره ۵- در موارد فوق، در صورت تکرار جرم، مرتکب علاوه بر ضبط دارایی و منافع مطابق این ماده، در مرتبه اول به دو برابر جزای نقدی یاد شده و در مرتبه دوم و به بعد، برای هر مورد، به سه برابر آن محکوم خواهد شد.

ماده ۴- هر شخص که عالماً و عامداً برای کمک یا تسهیل جرم پولشویی مرتکب موارد ذیل شود، در حکم معاون جرم محسوب و به مجازات مربوط محکوم می‌گردد.

الف - عدم ارائه اطلاعاتی که بر حسب وظایف قانونی یا حرفه‌ای خود از داراییهای موضوع تبصره ماده (۱) کسب می‌کنند به مراجع صلاحیتدار قانونی.

ب - ارائه هرگونه اطلاعات غیر واقعی به مأموران دولتی یا سایر مراجع و اشخاص ذیصلاح قانونی.

ج - انجام اقدامات اداری مانند ثبت در ادارات ثبت اسناد و املاک، دفاتر اسناد رسمی و شهرداریها و عملیات بانکی در بانکها، مؤسسات مالی و اعتباری و صندوقهای قرض‌الحسنه.

د - افشای اطلاعات به دست آمده در جریان مبارزه با پولشویی توسط مأموران دولتی و سایر اشخاص مقرر در این ماده یا استفاده از آن به نفع خود یا دیگری توسط آنها.

تبصره - در صورت استفاده از اطلاعات مذکور در این بند به نفع خود یا دیگری، مرتکب علاوه بر مجازات مقرر در این ماده، به ضبط درآمدهای حاصل شده نیز محکوم می‌شود.

ماده ۵ - هیأت وزیران مجاز است در راستای اجرای این قانون، در آیین‌نامه اجرایی این ماده نسبت به موارد ذیل و مقررات مربوط اتخاذ تصمیم نماید:

الف - الزام دستگاهها، نهادها و سایر اشخاص به:

۱- ارائه اطلاعات.

۲- ارائه اسناد و مدارک لازم و نحوه نگهداری و مدت آنها.

۳- تعیین هویت.

ب - معیارهای تشخیص موارد مشکوک.

ج - پیش‌بینی دستگاهها، اشخاص حقوقی و مقامات مربوط که مجاز به تشخیص موارد مشکوک خواهند بود.

د - دادن اختیار به دستگاهها و اشخاص حقوقی برای قطع خدمات در موارد مشکوک.

ه - تعیین نوع، مصادیق و حیطة خدمات مذکور در بند (د) و شرایط و ملاکهای قطع و یا استمرار آن.

و - تعیین فهرست دستگاههای دولتی و مؤسسات و سازمانهایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام است و نهادهای عمومی غیر دولتی و سایر اشخاص که ملزم به رعایت مقررات مربوط به هر یک از بندهای فوق می‌باشند.

تبصره - اشخاص مجاز به تشخیص اولیه موارد مشکوک، در صورت برخورد با آنها مکلفند این موارد را بلافاصله به دستگاه دولتی که وفق ماده (۸) مشخص می‌گردد منعکس نمایند. در صورت تأیید و دستور دستگاه مزبور، خدمات مربوط برابر مقررات آیین‌نامه اجرایی این ماده قطع می‌گردد. اشخاصی که خدمات در مورد آنها قطع گردیده، چنانچه اقدام انجام شده را خلاف قانون و مقررات مربوط بدانند می‌توانند به مرجع قضایی صالح شکایت نمایند.

ماده ۶ - متخلفان از مقررات آیین‌نامه اجرایی ماده (۵)، در صورتی که عنوان مباشر یا شریک یا معاون جرم پولشویی در مورد آنها صدق نکند، حسب مورد توسط دادگاه صلاحیتدار یا هیأت‌های تخلفات اداری به مجازاتهای زیر محکوم می‌شوند:

الف - مستخدمات و مأموران دستگاههای دولتی و نهادهای عمومی غیر دولتی به مجازات مقرر در ماده (۵۷۶) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده) - مصوب ۱۳۷۵/۳/۲.

ب - سایر اشخاص به شش ماه تا پنج سال محرومیت از هرگونه عضویت یا اشتغال به سمت مربوط برای هر بار تخلف.

ماده ۷ - شورای مبارزه با پولشویی به ریاست معاون اول رئیس‌جمهور و عضویت

وزیران امور اقتصادی و دارایی، بازرگانی، اطلاعات و دادگستری و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و دادستان کل کشور برای انجام وظایف زیر در چارچوب قوانین و مقررات تشکیل می‌شود:

الف - سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، هدایت و ارائه راهکارهای اجرایی لازم.

ب - اظهار نظر درباره آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون و لوایح مورد نیاز.

ج - انجام هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی.

د - اتخاذ تدابیری برای مشارکت دادن بخشهای خصوصی، تعاونی و عمومی غیر دولتی در مبارزه با پولشویی.

تبصره - وزیر امور اقتصادی و دارایی دبیر شورای مذکور می‌باشد و دبیرخانه آن در وزارت امور اقتصادی و دارایی مستقر می‌گردد.

ماده ۸- سازماندهی لازم برای نظارت، بازرسی، جلوگیری از امحای آثار و دلایل جرم پولشویی، طرح شکایت و رسیدگی مقدماتی، اجرای دقیق مفاد این قانون و سازوکارهای اداری لازم برای تحقق اهداف آن، با پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و تصویب هیأت وزیران مشخص می‌شود.

ماده ۹- آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون، توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی و با اخذ نظر از شورای مبارزه با جرم پولشویی تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.



رئیس جمهور
وزیر امور اقتصادی و دارایی
وزیر اطلاعات

وزیر دادگستری
وزیر بازرگانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی